

بررسی «شهروند» از آخرین وضعیت منطقه سیستان در پی وقوع طوفان‌های فصلی

شهر سوخته دیگری در راه است

امیر حسین خواجوی |



«دیار سیستان دیار باد است و ریگ و همان شهری است که گویند باد آن جا آسیاب‌ها را گرداند و آب را از چاه کشد و باغ‌ها را سیراب کند و در همه دنیا شهری نیست که بیشتر از آن‌جا از باد سود برند. در سیستان بادهای سخت مدام می‌وزند و به همین دلیل در آن‌جا آسیاب‌ها برای آرد کردن گندم ساخته‌اند.» این بخشی از روایت مسعودی مورخ و جغرافیدان شهیر جهان اسلام، از سفر به دیار سیستان است ولی اکنون با گذشت ۱۱ قرن از آن روایت، دیگر نه از آسیاب‌های بادی خبری است و نه از سرسبزی و طراوت باغات آن. بادهای ۱۲۰ روزه سیستان که روزی عامل اصلی رونق کشاورزی و کسب‌وکار مردمان این منطقه بود، اکنون نفر مرگ و خشکسالی است. سرزمینی که روزی انبار غله ایران بود اکنون با فقر، بیکاری و بیماری دست و پنجه نرم می‌کند. درباره منشأ شکل‌گیری بادهای ۱۲۰ روزه نظرات متفاوتی وجود دارد ولی در مجموع می‌توان گفت این بادها دنباله‌بادهای موسمی شبه‌قاره‌است که با گذشتن از نواحی پست افغانستان وارد ایران می‌شود. تقریباً اکثر ساکنان جنوب خراسان و شمال سیستان و بلوچستان با این بادها آشنایی دارند. بادهای متداوم که با سرعت زیاد در فصل گرم سال از اوایل خردادماه وزیدن گرفته و تا پایان شهریور ادامه دارد. این بادها در منطقه سیستان به «لوار» معروف است. لوار اما چند سالی است که با خود مهمان‌های ناخواندنی را به همراه دارد. ریزگردها، شن‌های روان و ماسه‌های بیش از یک دهه است که مهمان سفره مردمان این دیار است. مهمانی که چیزی به جز بیماری، فقر و بیکاری را برای میزبانان صبور و مهربان خود به ارمان نیاورده است. بادهای ۱۲۰ روزه در شرایط کنونی موجب مشکلات زیادی از نظر زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی شده است. بروز انواع بیماری‌های تنفسی، گوارشی و چشمی، تخریب زیرساخت‌های شهری و روستایی و تأسیسات آبیاری، کشاورزی و صنعتی تنها گوشه‌ای از مشکلات این روزهای مردمان سیستان است. به همین منظور و برای آگاهی بیشتر از وضعیت کنونی این منطقه و همچنین اقدامات انجام گرفته در این زمینه به سراغ برخی از مسئولان محلی و استانی رفتیم.

ابتدای سالانه ۵۰۰ سیستانی به بیماری سل
گردوغبار موجود در هوا به دلیل شدت یافتن بادهای فصلی سیستان در منطقه به حدی است که عملاً نفس کشیدن را برای مردم در هوای آزاد



غیرممکن کرده است. بنا به اظهارات افراد محلی در بعضی از مواقع به خصوص در روزهای طوفانی حتی با ماسک هم نمی‌توان این شرایط را تحمل کرد و به همین دلیل عملاً در سطح شهر زایل اقدامات صورت نمی‌گیرد. براساس آمار اعلام‌شده از سوی مقامات رسمی منطقه سالانه نزدیک به ۵۰۰ نفر از اهالی سیستان به سل مبتلا می‌شوند. رئیس دانشگاه علوم پزشکی زابل با تأیید این خبر و با اشاره به شرایط ناسالم هوا در زابل و مناطق اطراف آن به «شهروند» گفت: «فقط در ۳ روز ۲۳ تا ۲۵ مرداد بالغ بر یک هزار و ۹۰۰ مراجعه به مراکز درمانی به دلیل مشکلات تنفسی و چشمی ثبت شده است که از این تعداد بالغ بر ۲۰۰ نفر به دلیل بروز مشکلات حاد تنفسی بستری شده‌اند و تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گرفته‌اند.»

این موضوع در حالی از طرف دکتر علی اکبر نصیری عنوان می‌شود که مشکلات تنفسی اولین و ابتدایی‌ترین عارضه به دلیل هجوم

مشکلات چشمی، گوارشی، بیماری‌های پوستی، آلرژی و انواع و اقسام بیماری‌هایی که بعضی از آنها حتی برای تمام عمر بیمار را رها نخواهد کرد، از دیگر تبعات این پدیده مخرب و زیان‌آور است که در میان مدت و درازمدت نمایان

خواهد شد.

تبخیر بالای هامون و لزوم گسترش پوشش گیاهی

خشک شدن هامون و بروز پدیده گردوغبار در سیستان به ویژه در فصول گرم سال به دلیل وزش بادهای ۱۲۰ روزه اولین نگاه‌ها را متوجه سازمان محیط‌زیست می‌کند. خسرو افسری مدیر کل سازمان محیط‌زیست استان سیستان و بلوچستان با اشاره به وسعت ۵۷۰ هزار هکتاری تالاب هامون به «شهروند» گفت: «از این مقدار بالغ بر ۴۰۰ هزار هکتار آن داخل ایران و منطقه سیستان قرار دارد که ۳۰ تا ۴۰ هزار هکتار آن مناطق بحرانی تولید ریزگردهاست. خشک شدن تدریجی این تالاب به دلیل بروز خشکسالی‌های پی‌درپی که عمری ۱۶ ساله دارد، باعث شده همه‌ساله با آغاز فصل گرما و شروع بادهای ۱۲۰ روزه موجی از ریزگرد، شن و ماسه بادی به سمت مناطق مسکونی، باغات و مزارع استان روانه شود. به همین دلیل میان مدت و درازمدت است.»

برگزار جشن «هی» در بهمن سال گذشته در پی‌وقوع سیلاب رودخانه هیرمند و آب‌گیری تالاب که در ساحل هامون با حضور مردم، دست‌اندازن محیط‌زیست و برخی از مسئولان محلی در دامنه کوه خواجه، امیدها را برای احیای هامون دوباره زنده کرد و شادی و طراوت مردم که با اشک شوق نی‌های کاشته‌شده در هامون را آبیاری می‌کردند فضای خاصی را ایجاد کرده بود. ولی این شادی خیلی زود جای خودش را به غمی سنگین و ماندگار داد. تالاب خیلی زود خشک شد و مرگ میلیون‌ها ماهی و صدها جوجه پرند مهاجر در هر انسانی را به درد می‌آورد. هر چند افسری وقوع چنین فاجعه‌ای را قابل پیش‌بینی عنوان کرد و گفت: «به دلیل مقطعی بودن ورود آب به هامون ما در سال گذشته به هیچ وجه انتظار نداشتیم که در اثر این سیلاب، تالاب احیا شود و حتی تا حدودی مشکلات پیش‌آمده برای ماهیان و پرندگان مهاجر را پیش‌بینی کرده بودیم. میزان تبخیر در تالاب هامون چیزی حدود ۴ هزار و ۵۰۰ تا ۵ هزار میلی‌متر در سال است که این میزان تبخیر به دلیل نبود پوشش گیاهی مناسب باعث تسریع در روند خشک شدن تالاب می‌شود.»

او با اشاره به نقش بارندگی پوشش گیاهی

در برابر فرسایش خاک و جلوگیری از حرکت ذرات خاک ادامه داد: «برود غیرمنتظره آب به هامون که چیزی حدود ۱۵ درصد آن را فراگرفته، هر چند باعث ذخیره‌سازی مناسب آب در آن نشد ولی خوشبختانه توانستیم با حفر کانال، لایروبی و سیل‌های مسدود به دلیل خشکسالی و هدایت مناسب آب به سایر بخش‌های تالاب، آب را در حد قابل قبولی در سطح پخش کنیم که این امر باعث رویش گیاهان و شکل‌گیری پوشش گیاهی مناسب در بستر هامون شد. به طوری که بیش از ۵۰ درصد مساحت هامون تحت پوشش رویش گیاهی قرار گرفت. این پوشش گیاهی به‌طور

محسوس‌تر بروز گردوخاک در منطقه جلوگیری خواهد کرد.»

هزینه‌های مبالغه‌آمیز

هر چند احیای تالاب هامون بحث امروز و دیروز نیست ولی نمی‌توان به این بهانه اقدامات خلق‌الساعه و بدون پشتوانه علمی انجام داد. کشور ما در حوزه محیط‌زیست بارها از این موضوع ضربه خورده است. افسری با تأکید بر اهمیت کار کارشناسی تنها راه کاهش اثرات مخرب ناشی از خشک شدن تالاب و احیای آن را فقط در سایه مدیریت یکپارچه دانست و گفت: «به دلیل حساسیت موضوع قبل از هر گونه اقدامی در ارتباط با تالاب، باید تمامی زوایای آن از منظر علمی توسط کارشناسان مورد بررسی قرار گیرد. در ارتباط با مبالغه‌پاشی نیز به دلیل محدودیت‌های زیست‌محیطی نمی‌توان از مبالغه‌های زیست‌محیطی استفاده کرد و تاکنون چند شرکت تولیدکننده مبالغه‌گریزی برای همکاری در این زمینه اعلام آمادگی کرده‌اند که البته این کار هزینه زیادی دربر خواهد داشت، به همین دلیل قرار است در آینده نزدیک به صورت پایلوت قسمتی از تالاب را مبالغه‌پاشی کنیم تا بارندگی آن مشخص شود. البته باید گفت رسیدگی و پیگیری

مشکلات دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور که جملگی در معرض نابودی قرار دارند به‌عنوان اصلی‌ترین دغدغه سیاست‌گذاران سازمان محیط‌زیست عنوان شده است. رئیس جمهوری محترم نیز توجه ویژه‌ای به این حوزه دارد. در مجموع و با توجه به حساسیت رئیس سازمان محیط‌زیست خاتم دکتر اینتکار نسبت به مشکلات تالاب هامون، مشکلی از نظر تخصیص اعتبار وجود ندارد به طوری که ما امسال شاهد رشد ۳ برابری اعتبارات برای نجات و کاهش گردوغبار تالاب بودیم.»

تامین حقایق و مدهدیریت منابع آبی

بی‌شک همکاری سایر دستگاه‌های مسئول محلی و استانی، تسریع کننده حل مشکلات هامون است. تشکیل کارگروه احیای هامون با حضور استاندار و همچنین آغاز به کار پژوهشکده این تالاب از اقدامات مفید و موثر در این زمینه است. هر چند با توجه به فرارگیری هامون در نقطه مرزی و لزوم تأمین حقایق آن توسط مقامات افغانی امری ضروری است. مدیر کل سازمان محیط‌زیست استان با تأکید بر لزوم رایزنی بین‌المللی برای احیای هامون افزود: «تخصیص و مکان‌یابی نقاط پست و کم‌ارتفاع تالاب به همراه تهیه نقشه توپوگرافی دقیق منطقه، جلوگیری از چسرا و خارج کردن ۵ هزار نفر مستر و ممنوع کردن حرکت خودرو در بستر تالاب به منظور کاهش فرسایش خاک از دیگر اقدامات انجام‌شده در این زمینه است. با توجه به این که تالاب هامون در کنواسیون رامسر به ثبت رسیده است، اقدامات بین‌المللی و ورود مجامع بین‌المللی به موضوع هامون و مخاطرات پیش‌رو با جدیت از طریق سازمان محیط‌زیست ایران دنبال می‌شود. از طرف دیگر رایزنی‌هایی با طرف افغانی انجام شده است که حقایق تالاب هامون از رودخانه هیرمند به‌شکلی مستمر تأمین شود. البته اقداماتی از این دست مستلزم پیگیری و زمان‌بر است. ولی در مجموع می‌توان گفت تنها راه نجات هامون و مردم منطقه

تامین حقایق هامون از هیرمند و مدیریت منابع آبی داخل است.»

۱۳۷ میلیارد تومان خسارت به محصولات زراعی و کشاورزی سیستان

اما خسارات و تبعات منفی هجوم ریزگردها به همین جا ختم نمی‌شود. تخریب باغات و مزارع کشاورزی از دیگر عواقب این پدیده است. با جاری شدن آب از ابتدای فروردین ماه در منطقه، سطح زیر کشت محصولات بهار نیز افزایش یافت و ۱۲ هزار هکتار از اراضی منطقه سیستان امسال زیر کشت علوفه رفت و بالغ بر ۱۵ هزار هکتار نیز به کشت انواع محصولات جالیزی اختصاص یافت اما قطع آب از اوایل تیرماه موجب خسارات جدی به بخش اعظمی از کشت علوفه و جالیز در این منطقه شده است. رضانجفی رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان در این خصوص به «شهروند» گفت: «هجوم ریزگردها با شروع بادهای ۱۲۰ روزه سیستان همزمان با خشکسالی و کم‌آبی هامون باعث از بین رفتن بیش از ۱۵ هزار هکتار از مزارع جالیزی و بیش از ۳۴ هزار هکتار از مزارع منطقه سیستان شده‌اند.»

نجفی ادامه داد: «هجوم ریزگردها به دلیل نمکی بودن آنها سبب سوختگی برگ درختان و در نتیجه از بین رفتن باغات و میوه‌های تولیدی شده است. براساس آخرین آمار به‌دست آمده یک‌هزار و ۷۰۰ هکتار از باغات منطقه در اثر طوفان از بین رفته یا به آنها خسارت وارد شده است و در حال حاضر فقط یک‌هزار و ۳۰۰ هکتار تاکنون در منطقه وجود دارد.»

باغداران زبالی علاوه بر تنفس گردوغبار باید رنج و افسوس از بین رفتن محصولات در برداشت پاییزه را نیز به‌جان بخرند. به گفته رضانجفی ۱۳۷ میلیارد تومان خسارت وارده به دلیل خشکسالی و هجوم ریزگردها از ابتدای فصل گرما تاکنون دیگر توانی برای کشاورزان و باغداران منطقه باقی نگذاشته است. هر چند بنا به گفته رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان در سفر اخیر رئیس جمهوری به استان و در حاشیه بازدید از منطقه مقرر شد که ۴۶ هزار هکتار از اراضی کشاورزی سیستان با تخصیص ۵۰۰ میلیون دلار اعتبار از محل صندوق توسعه ملی تحت پوشش انتقال آب لوله‌کشی قرار بگیرد تا شاید بتوان حقایق و مدهدیریت منابع آبی هامون برای کشاورزان

و باغداران تا حدی کاهش یابد. ولی با این همه خسارات مالی ناشی از وزش بادهای شدید به همراه گردوغبار زخم‌هایی بسی عمیق‌تر بر دل و جان مردم منطقه باقی گذاشته است.

تعطیلی ادارات

و مراکز دولتی برای چندمین بار

براساس برخی گزارشات در بعضی از نقاط روستایی سیستان در پی طوفان‌های اخیر از ارتفاع شن‌های روان و ماسه به بیش از ۲ متر رسیده است. خسارت وسیع به تأسیسات زیربنایی نظیر خطوط انتقال برق، مخابرات و واحدهای تولیدی مستقر در حاشیه زابل و مدفون شدن جاده‌های فرعی و روستایی منطقه زیر آنبوهی از شن و ماسه، عملاً رفت و آمد و برقراری ارتباط را دچار مشکل کرده است. هوشنگ ناصری فرماندار زابل در گفت‌وگو با «شهروند» خسارت وارده به تأسیسات زیربنایی، مراکز اقتصادی و آموزشی در پی وقوع طوفان اخیر را بیش از ۳۰ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: «۴ طوفان شدید در چند وقت اخیر در منطقه غلظت ذرات معلق و گردوغبار را به بیش از ۳ هزار میکرو گرم رساند و در برخی مواقع سرعت طوفان به بیش از ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت رسید. این مقدار آلودگی بیش از ۶ برابر شرایط بحرانی است به طوری که شعاع دید در برخی از روزها به از کمتر ۳۰ متر می‌رسد. به همین دلیل در چند وقت اخیر برای حفظ سلامت شهروندان ادارات و دستگاه‌های دولتی زابل و مناطق اطراف آن چندین بار به حالت تعطیل یا نیمه‌تعطیل درآمده است.» این در حالی است که چند روز قبل مدیر کل ستاد بحران استانداری سیستان و بلوچستان خسارت وارده به تأسیسات شهری و روستایی سیستان را در مجموع رقمی بالغ بر ۲۰۲ میلیارد تومان اعلام کرده بود.

مدفون شدن خانه‌های روستایی زیر خروارها شن

ناصری با اشاره به اینکه ارتفاع شن‌های روان در برخی از مناطق تا بم واحدهای مسکونی نیز رسیده است و در برخی نقاط دل‌های انتقال برق به‌طور کامل زیر شن‌های روان مدفون شده‌اند، گفت: «شرایط در منطقه بسیار فرنج است و اگر مجموعه‌ای از برنامه‌های ملی و فراملی در این خصوص انجام نشود، منطقه با بحران جدی روبه‌رو خواهد شد و زابل به شهر سوخته دیگری تبدیل می‌شود. به همین منظور در جلسه‌ای که در استانداری تشکیل شده بود، دانشگاه‌ها و مراکز



تحقیقاتی استان موظف شدند تا ظرف مدت ۳ ماه منشأ اصلی ریزگردها را شناسایی کنند» این درحالی است که منشأ اصلی ریزگردها و حرکت شن‌های روان بستر خشک‌شده هامون، رودخانه‌های سیستان، هیرمند به علاوه دو حوزه بزرگ تشکیل این ریزگردها در ولایت هرات و نیمروز افغانستان عنوان می‌شوند. شاید به همین دلیل است که مسئولان محلی و استانی راه نجات از این بحران را ورود وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی به این حوزه عنوان می‌کنند. هر چند شرایط سیاسی و اجتماعی چنددهه گذشته در افغانستان طرف ایرانی را برای آغاز مذاکرات و متقاعد کردن تصمیم‌گیران افغانی برای تأمین حقایق هیرمند و انجام اقدامات زیست‌محیطی برای جلوگیری از برخاستن گردوغبار از چشمه‌های شکل‌گیری ریزگردها در آن کشور، دچار مشکل کرده است، ولی در چند وقت اخیر با توجه به ثبت و آرامش نسبی حاکم بر افغانستان و با توجه به نفوذ ایران در استان‌های غربی افغانستان می‌توان امیدوار بود با یک برنامه منسجم در حوزه دیپلماسی و همزمان با آغاز طرح جامع نجات هامون در کشور که دارای چندین محور و به علاوه چندین پروژه همزمان است بتوان بار دیگر حیات را به این منطقه بازگرداند.

